



Investigating the Relationship between External Corporate Governance Mechanisms and Financial Fraud, Focusing on Cognitive Evaluation Theory Insights on Agency Theory Prescriptions

Gharibe Esmaili Kia

*Corresponding author, Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran. E-mail: gh.esmailikia@ilam.ac.ir

Somayeh Najafnia

MSc. Student, Department of Accounting, Bakhtar Higher Institution of Education, Ilam, Iran. E-mail: s.najafnia@yahoo.com

Mohammad Oshani

Assistant Prof., Department of Accounting and Management, Bakhtar Higher School, Ilam, Iran. E-mail: oshani@bakhtar.ac.ir

Abstract

Objective: In one hand, based on one of the fundamental assumptions of agency theory, the external organizational pressure imposed on managers declines their potential moral hazard but on the other hand, the cognitive evaluation theory argument is that strong expectations of managers due to the strategic organizational leadership mechanisms, while limiting their sense of autonomy, decline their individual motivation for conducting business and potentially lead to financial fraud. Regarding the mentioned contradictory arguments, this research aims to examine the relationship between corporate governance and financial fraud strategies, focusing on cognitive assessment of representation prescriptions.

Methods: In this research external corporate governance mechanisms are measured by using dedicated institutional ownership and loan lender power. Two research hypotheses were analyzed using the data of 128 firms listed in the Tehran Stock Exchange during the period from 2012 to 2017 (include 768 firm-year observation) as well as using logistic regression.

Results: The results indicated that the proprietary ownership and lenders' power as corporate organizational mechanisms of management have a positive and significant effect on the probability of financial fraud. In other words, the external

organizational pressure from owners and lenders maximizes the risk of financial fraud among managers

Conclusion: When executives are encountered with a rigorous outsourcing control, more likely they would engage in fraudulent behaviors. This finding is in the opposite of the result which is expected by the managers' opportunistic activities, in accordance to the agency theory of the operation of external organizational controls.

Keywords: Financial fraud, Agency theory, Cognitive evaluation theory, External corporate governance.

Citation: Gharibe Esmaili Kia, GH., Najafnia, S., & Oshani, M., (2019). Investigating the Relationship between External Corporate Governance Mechanisms and Financial Fraud, Focusing on Cognitive Evaluation Theory Insights on Agency Theory Prescriptions. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(2), 169-192. (in Persian)

Journal of Accounting and Auditing Review, 2019, Vol. 26, No.2, pp. 169-192

DOI: 10.22059/acctgrev.2019.275806.1008116

Received: December 20, 2018; Accepted: May 02, 2019

© Faculty of Management, University of Tehran



بررسی رابطه بین سازوکارهای راهبری شرکتی برون سازمانی و ثقلب مالی با تمرکز بر ارزیابی شناختی از تجویزهای تئوری نمایندگی

غریبه اسماعیلی کیا

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: gh.esmailikia@ilam.ac.ir

سمیه نجف‌نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، مؤسسه آموزش عالی باختر، ایلام، ایران. رایانامه: s.najafnia@yahoo.com

محمد اوشنی

استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و حسابداری مؤسسه آموزش عالی باختر، ایلام، ایران. رایانامه: oshani@bakhtar.ac.ir

چکیده

هدف: از یک سو، بر اساس یکی از فروض بنیادین نظریه نمایندگی، فشار برون سازمانی اعمال شده بر مدیران، احتمال انحراف اخلاقی بالقوه آنان را کاهش می‌دهد و از سویی دیگر، استدلال نظریه ارزیابی شناختی آن است که انتظارات قوی از مدیران ناشی از سازوکارهای راهبری برون سازمانی، ضمن محدود کردن حس استقلال آنان، انگیزه درونی آنان برای درستکاری را کاهش می‌دهد و به‌طور بالقوه به ثقلب مالی منجر می‌شود. با توجه به استدلال‌های متناقض ذکر شده، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سازوکارهای راهبری شرکتی برون سازمانی و ثقلب مالی با تمرکز بر ارزیابی شناختی از تجویزهای نظریه نمایندگی است.

روش: در این پژوهش سازوکارهای راهبری برون سازمانی با استفاده از مالکیت نهادی اختصاصی و قدرت وام‌دهندگان سنجیده شده است. دو فرضیه پژوهش با استفاده از اطلاعات ۱۲۸ شرکت پذیرفته شده در شرکت بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (شامل ۷۶۸ مشاهده شرکت - سال) و به‌کارگیری رگرسیون لجستیک آزمون و تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که وجود مالکیت نهادی اختصاصی و قدرت وام‌دهندگان به‌عنوان سازوکارهای راهبری شرکتی برون سازمانی، بر احتمال ثقلب مالی تأثیر مثبت و معناداری دارند. به بیان دیگر، فشار برون سازمانی از سوی مالکان و وام‌دهندگان، احتمال ثقلب مالی مدیران را افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری: زمانی که مدیران با کنترل‌های سخت‌گیرانه برون سازمانی مواجه شوند، به احتمال بیشتری درگیر رفتارهای متقلبانه می‌شوند. این یافته، عکس نتیجه‌ای است که مطابق با نظریه نمایندگی از کارکرد کنترل‌های برون سازمانی بر فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیران انتظار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: ثقلب مالی، نظریه نمایندگی، نظریه ارزیابی شناختی، راهبری شرکتی برون سازمانی.

استناد: اسماعیلی کیا، غریبه؛ نجف‌نیا، سمیه؛ اوشنی، محمد (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین سازوکارهای راهبری شرکتی برون سازمانی و ثقلب مالی با تمرکز بر ارزیابی شناختی از تجویزهای تئوری نمایندگی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۲)، ۱۶۹-۱۹۲.

مقدمه

افزایش تقلب‌ها و رسوایی‌های مالی اخیر و به‌تبع آن، سقوط شمار زیادی از شرکت‌های بزرگ نظیر انرون، ورلدکام، سیکو و گلوبال کراسینگ، باعث شد که پیشگیری یا کشف تقلب‌های با اهمیت در گزارشگری مالی در کانون توجه ذی‌نفعان و گروه‌های عمده مرتبط از جمله سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، مدیران و حساب‌برسان قرار گیرد. تقلب در گزارشگری مالی، به‌معنای تحریف عمده در صورت‌های مالی است که کاربران را گمراه می‌کند (فخاری، رجب‌دروی و خانی‌ذلان، ۱۳۹۷). بر این اساس، تقلب می‌تواند به سرمایه‌گذاران و به‌ویژه آن دسته از افرادی که سهام شرکت را برای دوره‌های بلندمدت حفظ می‌کنند، آسیب‌های جدی وارد کند. ایران نیز از رشد و آسیب این پدیده اقتصادی مستثنا نبوده است؛ به‌گونه‌ای که در دو دهه اخیر، ارتکاب تقلب بحث غالب مطرح در بازارهای مالی و نهادهای اقتصادی - اجتماعی داخلی بوده است (اعتمادی و عبدلی، ۱۳۹۶).

تقلب در صورت‌های مالی، یکی از موضوعات شایان توجه در مسئله نمایندگی است (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۷). در ادبیات دانشگاهی حسابداری و مالی، عموماً از نظریه نمایندگی به‌عنوان نقطه آغاز توضیح مفهوم نظام راهبری شرکتی استفاده شده است (صراف و محمدی، ۱۳۹۶). نظریه نمایندگی برای زمانی طولانی پارادایم غالب در مطالعات مرتبط با نظام راهبری شرکتی بوده است (خرمی و غلامی جمکرانی، ۱۳۹۵). در این نظام، فعالیت‌های مدیران ارشد با عواملی محدود می‌شود که راهبری شرکت‌های تحت مدیریت آنها را تشکیل و تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوشتارهای تخصصی نظری، دو سازوکار درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را در نظام راهبری شرکتی پیشنهاد می‌کنند (والش و سوارد^۱، ۱۹۹۰). پژوهش‌های نظری و تجربی نشان می‌دهد که برخی سازوکارهای راهبری شرکتی در تقلب صورت‌های مالی تأثیر دارد (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۷). ذی‌نفعان برون‌سازمانی تلاش می‌کنند با افزایش میزان نظارت و کنترل، رفتارهای نادرست - که به‌شکل تقلب مالی نمود پیدا می‌کند - را محدود کنند. استدلال بر این است که اجرای حاکمیت شرکتی فضای اعتماد بین مدیران و سهامداران را گسترش و کارایی شرکت را در دو بعد برون‌سازمانی و درون‌سازمانی افزایش می‌دهد (جوادی، منصورفر و دیدار، ۱۳۹۸). با اینکه بخش گسترده‌ای از تحقیقات تجربی نشان داده‌اند سازوکارهای کنترل برون‌سازمانی که بر نظارت و نظم‌دهی مدیران برای کاهش سوءرفتار تمرکز می‌کنند، می‌توانند احتمال تقلب مالی را کاهش دهند (بیسلی، کارسلو، هرمانسون و لاپیدیز^۲، ۲۰۰۰؛ چن، فیرث، گائو و روئی^۳، ۲۰۰۶)، در تحقیقات اندکی به اثرهای منفی آن توجه شده است. نخستین دسته از تحقیقات یاد شده بر فرض رفتار عقلایی افراد استوار است، این در حالی است که بر اساس فروض مالی رفتاری، انتخاب افراد و سازمان‌ها اغلب با سوگیری‌های رفتاری و کاهش کارایی در به‌دست آوردن و پردازش اطلاعات همراه است، به همین دلیل فرضیه رفتار عقلایی مخدوش می‌شود (شویتزر، اردونیز و لوما^۴، ۲۰۰۴).

ظهور پارادایم جدید با عنوان نظریه نمایندگی رفتاری مبتنی بر مالی رفتاری، توجه‌ها را به جنبه‌های احساساتی و سوگیری شناختی در رابطه با نظریه نمایندگی معطوف کرد. به‌تبع این پارادایم جدید، پیشرفت‌های اخیر در پژوهش‌های

مرتبط با نظریه نمایندگی، فرضیه‌های اقتصاد محض حاکم بر این نظریه را کمرنگ کرده است. به‌طور مثال، نظریه نمایندگی رفتاری، با استفاده از فرضیه‌های واقع‌بینانه‌تر در خصوص رفتار کارگزاران، پیش‌بینی‌های موجود در نظریه نمایندگی را بار دیگر ارزیابی کرده است (شی، برایان، کونلی و رابرت^۱، ۲۰۱۷).

نظریه نمایندگی رفتاری، سوگیری شناختی را به مفروضات نظریه نمایندگی در رابطه با راهبری درون‌سازمانی ارتباط می‌دهد (مارتین، گومز میجیا و وایزمن^۲، ۲۰۱۳). در این جریان تحقیقاتی، به راهبری برون‌سازمانی کمتر توجه شده است (شی، کونلی و ساندرز^۳، ۲۰۱۶). علاوه بر این، از آنجا که تاکنون دانشمندان و کارشناسان علوم روان‌شناسی و رفتاری، نتوانسته‌اند ویژگی‌های روان‌شناختی تبیین‌گر گرایش افراد به ارتکاب تقلب را در قالب معتبر و اتکاپذیر شناسایی کنند (مشایخی، ۱۳۹۰)، بررسی تقلب با تمرکز بر تجویزهای ارزیابی شناختی در این زمینه می‌تواند بسیار راهگشا باشد. در نهایت ذکر این نکته ضروری است که با توجه به لزوم ارتقای کیفیت اطلاعات مالی، تعداد در حال افزایش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس که با هدف جذب منابع مالی به انتشار اوراق بهادار اقدام می‌کنند، استمرار جریان خصوصی‌سازی در کشور، تلاش برای کاهش مالیات و سایر شرایط محیطی اثرگذار در ایران، مسئله تقلب مالی در فضای اقتصادی کنونی کشور در زمره موضوعات اساسی قرار می‌گیرد. از این رو، اجرای پژوهش در زمینه تقلب مالی و گزارشگری مالی متقلبان در ایران از جنبه‌های مختلف، بسیار حائز اهمیت است. بررسی انجام شده حاکی از آن است که هم‌راستا با ادبیات موضوع در کشورهای مختلف، نوشتارهای تخصصی داخل کشور نیز به‌طور عمده بر نقش سازوکارهای راهبری شرکتی در کاهش تقلب تمرکز کرده و به آثار منفی احتمالی آن بر تقلب، بی‌توجه بوده‌اند. بنابراین بر اساس دلایل بیان شده، در این مطالعه تلاش شده است که شکاف تحقیقاتی موجود کشور در این حوزه تا حدی پوشش داده شود و برای نخستین بار به تبیین چگونگی اثرگذاری انتظارات تحمیل شده توسط راهبری برون‌سازمانی بر انگیزه مدیران و به تبع آن، معرفی و شناسایی آسیب بالقوه این‌چنین سازوکارهایی در جهت افزایش احتمال تقلب مالی پرداخته شود. لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا راهبری شرکتی برون‌سازمانی، انگیزه درونی مدیران برای اقدام در جهت منافع ذی‌نفعان و رفتار درست در زمینه ارائه گزارشگری مالی را تضعیف می‌کند؟

مبانی نظری پژوهش

نظریه نمایندگی و راهبری شرکتی

نظریه زیربنایی مربوط به این پژوهش، نظریه نمایندگی است که توسط جنسن و مک‌لینگ^۴ (۱۹۷۶) ارائه شده است. بر اساس این نظریه، مدیران، نمایندگان سهامداران شرکت‌اند و بایستی در جهت منافع آنها عمل کنند. اما گاهی مدیران در شرایطی قرار می‌گیرند که به نفع سهامداران شرکت تصمیم نمی‌گیرند و گزارش‌های مالی را مخدوش می‌کنند که این مسئله به مشکلات نمایندگی معروف است (چانگ، فرث و کیم^۵، ۲۰۰۵). تبیین مذکور به نسخه سنتی نظریه نمایندگی موسوم است. مدل جدید نظریه نمایندگی بر چگونگی شیوه‌های منطقی رفتار نمایندگان تمرکز می‌کند (وایزمن و گومز

1. Shi, Brian, Connelly & Robert
3. Shi, Connelly & Sanders
5. Chung, Firth & Kim

2. Martin, Gomez-Mejia & Wiseman
4. Jensen & Meckling

میچیا^۱، ۱۹۹۸). مدل نمایندگی رفتاری، در واکنش به انتقادهای موجود در رابطه با مفروضات آماری و اقتصادی نظریه نمایندگی سنتی، توسعه یافته است. تا امروز، عمده تحقیقات تجربی در نظریه نمایندگی رفتاری بر گرایش‌های ریسک رفتاری^۲ و راهبری درون‌سازمانی با استفاده از استدلال‌های نظریه چشم‌انداز متمرکز بوده‌اند (کریسمن و پاتل^۳، ۲۰۱۲).

راهبری شرکتی مفهومی است که از نظریه نمایندگی نشئت می‌گیرد؛ به طوری که به دنبال همگام‌سازی منافع مالک و مدیریت است (دراماستیو و واهودی^۴، ۲۰۱۳). بر این اساس تا قبل از ارائه نظریه نمایندگی در دهه ۱۹۷۰ توسط جنسن و مک‌کلینگ، به این موضوع توجه چندانی نمی‌شد؛ اما در پی ارائه این نظریه، روابط نمایندگی به صورت گسترده‌ای، موضوعات مختلف ادبیات مالی از جمله راهبری شرکتی را تحت تأثیر قرار داد. این موضوع با توجه به رخدادهای اخیر اهمیت بیشتری یافت (سریواستاوا، نیلداری و جامینی^۵، ۲۰۱۸). بررسی ادبیات مرتبط با راهبری شرکتی، نشان‌دهنده نبود تعریف توافق‌شده از این مفهوم و تفاوت میان تعاریف آن در کشورهای گوناگون است (جعفری، رحیمی‌النگ و صفری گرایلی، ۱۳۹۴). محققان اغلب سازوکارهای راهبری شرکتی را به دو دسته، درون‌سازمانی و برون‌سازمانی^۶ طبقه‌بندی می‌کنند (شی و همکاران، ۲۰۱۷). سازوکارهای درون‌سازمانی به پنج دسته اصلی دسته‌بندی می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. هیئت مدیره (نقش‌ها، سازه‌ها و انگیزه‌ها)؛
۲. انگیزه‌های مدیریتی؛
۳. ساختار سرمایه؛
۴. اساسنامه و مقررات شرکت‌ها؛
۵. سیستم کنترل داخلی. در حالی که سازوکار برون‌سازمانی به پنج دسته بدین شرح طبقه‌بندی می‌شود: ۱. قانون و مقررات؛ ۲. بازار؛ ۳. اطلاعات بازار سرمایه و تجزیه و تحلیل؛ ۴. بازار حسابداری؛ ۵. امور مالی و قانون؛ ۶. منابع ویژه کنترل برون‌سازمانی (دراماستیو و واهودی، ۲۰۱۳). به تبعیت از مدل جدید نظریه نمایندگی، پژوهش حاضر با اعمال ملاحظات رفتاری، نظریه نمایندگی را به دو شکل از سازوکارهای راهبری برون‌سازمانی ارتباط می‌دهد.

نظریه ارزیابی شناختی

روان‌شناسی، مطالعه ماهیت، نقش‌ها و پدیده‌های رفتاری و تجربه ذهنی و به بیانی ساده، علم رفتار انسان است (کلمان^۷، ۲۰۰۳). از آنجا که تقلب نوعی تلاش انسانی مشتمل بر فریب، قصد هدمند، میل شدید، نقض اعتماد، عقلانیت و غیره است، درک عوامل روان‌شناختی که ممکن است رفتار عاملان تقلب را تحت تأثیر قرار دهد، اهمیت دارد. بسیاری از متخصصان کسب‌وکار، به خصوص کسانی که در عرصه مالی هستند، تمایل دارند که تبیین‌های رفتاری را کم‌رنگ کنند؛ اما همچنان که میزان بروز تقلب در حال افزایش است، در مرکز توجه قرار دادن عوامل رفتاری هم برای تشخیص تقلب و هم برای بازدارندگی آن رویکردی با اهمیت است. به بیان دیگر، هنگام بحث درباره موضوع تقلب، توجه به عامل انسانی اجتناب‌ناپذیر است (رامامورتی^۸، ۲۰۰۸). بر این اساس نظریه ارزیابی شناختی در این حوزه در کانون توجه قرار می‌گیرد.

سرچشمه مفاهیم زیربنایی نظریه ارزیابی شناختی، مطالعه چگونگی اثرگذاری فشار برون‌سازمانی بر انگیزه درونی

1. Dharmastuti & Wahyudi

2. Behavioral risk propensities

3. Chrisman, & Patel

4. Dharmastuti & Wahyud

5. Srivastava, Niladri, & Jamini

۶ برون‌سازمانی، اشکالی از راهبری است که بدون دسترسی کامل به اطلاعات درون شرکت عمل می‌کنند.

7. Colman

8. Ramamoorti

به‌منظور درست عمل کردن است. برخی این وضعیت را برحسب «اثر خروج»^۱ توصیف می‌کنند که در آن پاداش و مجازات بیش از حد برون‌سازمانی می‌تواند انگیزه درونی برای رفتار اخلاقی را از بین ببرد (شی و همکاران، ۲۰۱۷). نظریه‌پردازان این نظریه، دیدگاه‌های خود را بر اساس این فرض استوار کرده‌اند که اشخاص برای استقلال و صلاحیت نیازهای درونی دارند (دسی و ریان،^۲ ۲۰۰۰). در چارچوب نظریه ارزیابی شناختی، زمانی که سازوکارهای برون‌سازمانی کنترل، بر حس استقلال و کنترل درونی افراد تأثیر می‌گذارد، می‌تواند انگیزه درونی آنها برای رفتار درستکارانه را کاهش دهد. بسیاری از صاحب‌نظران تصمیم‌گیری را جوهره مدیریت دانسته و موفقیت و شکست سازمان‌ها را در گرو تصمیمات مدیران آنها قلمداد کرده‌اند. پرواضح است که اخذ تصمیمات مناسب از سوی مدیران، تابعی از عوامل رفتاری و شخصیتی آنها (بذرافشان، بذرافشان و صالحی، ۱۳۹۷) و همچنین عوامل محیطی است. مدیران ارشد اغلب کنترل‌های برون‌سازمانی را نوعی سازوکار اجباری تلقی می‌کنند که انگیزه آنها را برای تلاش بیشتر کاهش می‌دهد (ساندرا مورتی و لوئیس،^۳ ۲۰۰۳). بر مبنای توضیحات ارائه شده، پژوهش حاضر به تدوین و بررسی فرضیه‌هایی می‌پردازد که مبتنی بر دیدگاه‌های ایجاد شده از نظریه ارزیابی شناختی در رابطه با چگونگی اثرگذاری برخی از معمول‌ترین سازوکارهای راهبری شرکتی برون‌سازمانی بر احتمال تقلب مالی است.

تقلب صورت‌های مالی و سازوکارهای راهبری برون‌سازمانی

تقلب در مفهوم کلی خود دربرگیرنده تمام ابزارهای ساخته‌شده انسان است و فرد با استفاده از آن مزیتی را از طریق توصیه‌های دروغین یا کتمان حقیقت کسب می‌کند و شامل تمام رویدادهای ناگهانی، ترفندها، مخفی‌کاری‌ها و سایر راه‌های غیرمنصفانه برای فریب دیگری می‌شود (قادری و قادری، ۱۳۹۶) و در گزارشگری مالی به اقدامات نامناسبی اطلاق می‌شود که به اظهارنظر نادرست اما بااهمیت در صورت‌های مالی منجر شود. در سال‌های اخیر، تقلب در شرکت‌ها هزینه‌های گزافی را به ذی‌نفعان تحمیل کرده است. بیانیه استانداردهای حسابرسی^۴ شماره ۹۹ صادر شده توسط انجمن حسابداران رسمی آمریکا^۵، گزارشگری مالی متقلبانه را به این صورت تعریف کرده است: «اظهار غلط عمدی یا حذف مقادیر افشا در صورت‌های مالی طراحی شده به‌منظور فریب استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی». اشکال مختلفی از تقلب از قبیل صورت‌های مالی متقلبانه، تقلب کارکنان، سوءاستفاده از دارایی‌ها و تقلب‌های ورشکستگی در حوزه مالی مشاهده می‌شود (دل‌آشوب، ۱۳۹۵). بنابراین حضور تقلب به‌عنوان عامل بحران‌زا در عرصه مالی، تهدیدی جدی برای اعتماد عمومی به اطلاعات مالی و فرایند گزارشگری مالی محسوب می‌شود و هزینه‌ها و پیامدهای سنگینی برای گروه‌های مختلف به‌دنبال دارد. انگیزه‌های زیادی برای تقلب در گزارشگری مالی وجود دارد که نمونه‌های آن به شرح ذیل است:

- پاداش مبتنی بر سود گزارش شده (اسمیت،^۶ ۲۰۱۲)؛
- حفظ یا افزایش قیمت بازار سهام؛
- دستیابی به پیش‌بینی‌های داخلی و خارجی (اونگ،^۷ ۲۰۰۰)؛

1. Crowding-out effect

3. Sundaramurthy & Lewis

5. American Institute of Certified Public Accountant (AICPA)

7. Ong

2. Deci & Ryan

4. Statement of Auditing Standards (SAS)

6. Smith

- حداقل کردن بدهی مالیاتی؛
- جلوگیری از تخلف در قراردادهای بدهی؛
- تأمین مالی به ارزان‌ترین شکل ممکن (کارسلو و ناگی^۱، ۲۰۰۴).

در سال‌های اخیر، مجامع حرفه‌ای به ارائه راهکارهایی برای پیشگیری و کشف تقلب در صورت‌های مالی توجه زیادی نشان داده‌اند. در ایران نیز سازمان حسابرسی با انتشار استانداردهای حسابرسی شماره ۲۴۰ با عنوان «مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه در صورت‌های مالی» به این موضوع پرداخته است؛ همچنین در قانون تجارت ایران طبق ماده ۲۳۲، مسئولیت صحت صورت‌های مالی بر عهده مدیریت و گزارش هرگونه تخلف و قصور برعهده بازررس است. با توجه به مباحث فوق، توجه به تقلب، پیشگیری و کشف آن، عامل مؤثری در امنیت گزارشگری مالی از جانب مدیریت سازمان و حسابرس مستقل ضروری به نظر می‌رسد (صفرزاده، ۱۳۸۹). در کشور ما نهادی که به‌طور مستقیم به تحقیق و کشف موارد تقلب احتمالی بپردازد و پایگاهی که این موارد را اطلاع‌رسانی کند، وجود ندارد. نهادهایی از قبیل سازمان بورس اوراق بهادار، اطلاعات احتمالی مربوط به هرگونه تحریف و به‌طور خاص تقلب در صورت‌های مالی را در اختیار عموم و تحلیلگران قرار نمی‌دهند. تنها مواردی که در سازمان بورس اوراق بهادار پیگیری می‌شود، احتمال تقلب توسط دارندگان اطلاعات نهانی (به‌ویژه مدیران)، در این شرکت‌ها بوده و در صورت صدور رأی از طریق محاکم قضایی در خصوص گزارشگری متقلبانه، موارد به‌طور خصوصی و محرمانه اطلاع‌رسانی می‌شود و بازرسانی لازم را ندارد (باوری، مرادی و احمدی، ۱۳۹۴). از این رو، توجه به موضوع تقلب مالی در ادبیات دانشگاهی حائز اهمیت بوده و می‌تواند نقطه آغازی باشد برای تشویق به وضع قوانین کارا تر و تعیین متولی مستقیم برای نظارت و کشف آن. بر این مبنا، پژوهش حاضر به تبعیت از مدل جدید نظریه نمایندگی و با اعمال ملاحظات رفتاری، این نظریه را به دو شکل از سازوکارهای راهبری برون‌سازمانی ارتباط می‌دهد. در ادبیات تحقیق اشکال دیگری از سازوکارهای راهبری برون‌سازمانی نیز وجود دارد، اما بررسی‌های این پژوهش به دو شکل از این سازوکارها محدود شده است که اولاً در فضای بازار سرمایه ایران مصداق دارد و ثانیاً برای دستیابی به اهداف پژوهش قابلیت عملیاتی شدن دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش می‌کند که در خصوص چگونگی تعامل بین انگیزه درونی و برونی با تمرکز بر برخی از سازوکارهای راهبری شرکتی برون‌سازمانی و ترکیب آنها با مدل‌های نظریه نمایندگی، بررسی‌هایی انجام دهد. برای تبیین انتظارات بیشتر حاصل از سازوکارهای راهبری برون‌سازمانی به‌عنوان انگیزش بیرونی اثرگذار بر انگیزه درونی مدیران، نظریه ارزیابی شناختی به کار برده می‌شود (دیسی و ریان^۲، ۲۰۰۰)؛ به‌طوری که در ادامه بررسی خواهد شد، نتایج حاصل از آثار ترکیبی عوامل مذکور، برعکس پیش‌بینی‌ای خواهد بود که در رابطه با اجتناب از رفتار متقلبانه انتظار می‌رود.

الف) مالکیت نهادی اختصاصی^۳ و تقلب مالی با تمرکز ارزیابی شناختی از نظریه نمایندگی

ساختار مالکیت و به‌طور خاص سهامداران نهادی، از جمله سازوکارهای با اهمیت اصول راهبری شرکت‌ها به‌شمار می‌رود.

1. Carcello & Nagy

2. Deci, Ryan

3. Dedicated institutional ownership

سرمایه‌گذاران نهادی معمولاً به دلیل در اختیار داشتن درصد شایان توجهی از سهام شرکت‌ها و همچنین حرفه‌ای بودن در امر سرمایه‌گذاری، برای نظارت بر شرکت‌ها از انگیزه و توانایی لازم برخوردارند. عموماً این گونه تصور می‌شود که حضور سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است به تغییر رفتار و عملکرد شرکت‌ها منجر شود (رحیمیان، رضایی و میرعبداللهی، ۱۳۹۲). باید توجه کرد که همه سرمایه‌گذاران نهادی، برای نظارت و پایش مدیران انگیزه یکسانی ندارند. برخی نهادها که برای حداکثر کردن سود، معامله‌های کوتاه‌مدت انجام می‌دهند؛ راهبرد سرمایه‌گذاری شاخصی (متنوع) را می‌پذیرند یا بر نگهداری بلندمدت تأکید دارند، ولی مستقل از مدیریت نیستند و نمی‌توانند ناظران خوبی باشند. افق سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد که با نگهداری طولانی‌مدت سهم، منافع حاصل از نظارت را کسب کنند. همچنین نهادهایی که در بسیاری از شرکت‌ها مالکیت متنوع دارند، کمتر به دنبال نظارت بر افشای اطلاعات هستند (ستایش و ابراهیمی‌میمند، ۱۳۹۳). بوشی (۲۰۰۱ و ۱۹۹۸) بر مبنای گردش پرتفوی (میزان تغییر در درصد سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار نهادی در سهام شرکت) و تنوع پرتفوی (وزن سهم مدنظر در پرتفوی سرمایه‌گذار نهادی)، سرمایه‌گذاران نهادی را به سه دسته اختصاصی^۱، شبه‌شاخصی^۲ و گذرا^۳ طبقه‌بندی کرده است. جدول ۱ ویژگی‌های این سه دسته را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. طبقه‌بندی سرمایه‌گذاران نهادی

نوع سرمایه‌گذاری نهادی	ویژگی‌ها (بر اساس گردش و تنوع پرتفوی)	راهبرد
اختصاصی	گردش کم و تنوع کم پرتفوی سهام	نگهداری بلندمدت سهم بزرگی از تعداد کمی از شرکت‌ها
شبه شاخصی	گردش کم و تنوع زیاد در پرتفوی	خرید و نگهداری سهام در مجموعه‌ای گسترده از شرکت‌ها
گذرا	گردش زیاد و تنوع زیاد در پرتفوی	افق معامله کوتاه و سرمایه‌گذاری‌های جداگانه در تعداد زیادی از شرکت‌ها

منبع: اقتباس از ستایش و ابراهیمی‌میمند (۱۳۹۳) بر اساس بوشی (۲۰۰۱ و ۱۹۹۸)

سرمایه‌گذاران نهادی اختصاصی^۴ بر خلاف دو گروه سرمایه‌گذار نهادی دیگر (شبه‌شاخصی و گذرا)، بنا به نوع سرمایه‌گذاری خود انگیزه بیشتری برای پایش مدیران دارند. این سرمایه‌گذاران مالکانی توصیف می‌شوند که روی تعداد کمی از شرکت‌ها مالکیت گسترده، بلندمدت و متمرکز دارند (پورتر^۵، ۱۹۹۲). از آنجا که سرمایه‌گذاران نهادی اختصاصی، بخش شایان توجهی از سهام این شرکت‌ها را در سبد سرمایه‌گذاری خود دارند، می‌توانند بر عملکرد مدیران نظارت کنند؛ زیرا با خروج آنان، در قیمت سهام این شرکت‌ها سقوط بزرگی رخ خواهد داد (بوشی، ۲۰۰۴). در سایه تهدید خروج سرمایه‌گذاران نهادی از شرکت، این سرمایه‌گذاران می‌توانند خواهان عملکرد بالای مدیران باشند (مافیت^۶، ۲۰۱۲). نظریه نمایندگی سنتی پیش‌بینی کرده که هرچه میزان مالکیت نهادی اختصاصی بیشتر باشد، احتمال انحراف اخلاقی^۷

1. Dedicated
3. Transient
5. Porter
7. Moral Hazard

2. Quasi-indexing
4. Dedicated institutional investors
6. Maffett

نیز کاهش خواهد یافت (شارما^۱، ۲۰۰۴). یکی از اصلی‌ترین دلایل این پدیده آن است که مدیران در صورت اقدام به کارهای نادرست، از پیامدهای منفی گرفتار شدن خود می‌ترسند. در شرکت‌هایی که میزان مالکیت نهادی اختصاصی بیشتری وجود دارد، مدیران ترس بیشتری خواهند داشت (وایز و بیکرمن^۲، ۱۹۹۵). علت این امر آن است که مالکان نهادی اختصاصی به منابع گسترده‌ای دسترسی دارند تا به نظارت بر رفتار مدیریت اختصاص دهند، همچنین با توجه به نوع و ماهیت سرمایه‌گذاری خود، برای نظارت دقیق بر مدیران انگیزه بیشتری دارند (کونولی، هوسکینسون، تیهانی و سیرتو^۳، ۲۰۱۰). به بیان دیگر، نظریه نمایندگی این ایده را روشن می‌کند که سرمایه‌گذاران نهادی اختصاصی می‌توانند ترس مدیران از گرفتار شدن در صورت ارتکاب اعمال نادرست را تشدید و بر این اساس احتمال تقلب مالی را تعدیل کنند (شی و همکاران، ۲۰۱۷).

گنجاندن نظریه ارزیابی شناختی در این حوزه، مشکلات پنهان مربوط به پیش‌بینی نظریه نمایندگی از احساس مدیران را در رابطه با انتظارات برون‌سازمانی که از میزان زیاد مالکیت نهادی اختصاصی نشئت می‌گیرد، آشکار می‌سازد. فشار و نظارت دقیق سرمایه‌گذاران نهادی اختصاصی می‌تواند مدیران را به تغییر تمرکز و گرایش خود از عوامل درونی به برونی و محیطی تهییج کند. این تغییر در گرایش مدیران می‌تواند به تبیین دلیل عدم تحقق پیش‌بینی‌های نظریه نمایندگی درباره تأثیرات راهبری برون‌سازمانی کمک کند (آرتور و بوسینتز^۴، ۲۰۰۳). بنابراین به نظر می‌رسد که مدیران ممکن است برای تأمین انتظارات مالکان برون‌سازمانی، دیدگاه‌های خود را تغییر داده و با احتمال بیشتری درگیر تقلب مالی شوند، هر چند که می‌دانند که این کار نادرست است. از این رو، بر اساس مبانی نظری تشریح شده و با تمرکز بر ارزیابی شناختی، فرضیه اول پژوهش مطرح می‌شود:

فرضیه اول: وجود مالکیت نهادی اختصاصی با احتمال تقلب مالی رابطه مثبت دارد.

ب) قدرت وام‌دهندگان^۵ و تقلب مالی با تمرکز بر ارزیابی شناختی از نظریه نمایندگی

وام‌دهندگان، اشخاص برون‌سازمانی هستند که به شرکت‌ها وام می‌دهند. این اشخاص می‌توانند همانند سازوکار راهبری برون‌سازمانی عمل کنند. در نظریه نمایندگی سنتی و بر اساس دیدگاه جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)، وام‌ها از طریق سازوکار قراردادهای، فرصت انحراف از جریان نقد آزاد شرکت را از مدیران سلب می‌کند و بر این اساس پیامدهای خوبی برای سهامداران به همراه دارد. هر چه میزان وام‌های شرکت بیشتر شود، وجوه نقد بیشتری برای بهره و اقساط پرداخت خواهد شد، بنابراین استفاده از وام می‌تواند نظارت بر مدیران را از سهامداران به بستانکاران منتقل کند (دراماستیتو و واهودی، ۲۰۱۳). جنسن (۲۰۰۰) متذکر شده که استفاده از وام‌ها به‌عنوان منبع مالی، باید همراه با قرارداد بدهی باشد. قرارداد بدهی به‌عنوان الزامات بازپرداخت، به تحریک نظم و انضباط مدیران و همچنین محدودیت در فعالیت‌هایی منجر می‌شود که به بازپرداخت وام‌ها آسیب می‌رساند. جان و سنبیت (۱۹۹۸) بیان می‌کنند که قرارداد بدهی از طریق اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری صحیح و انجام تأمین مالی بهینه، در راستای حداکثرسازی ارزش برای مالکان، باعث می‌شود که مدیران به‌عنوان بخشی از مالکان شرکت عمل کنند؛ به‌ویژه در خصوص بانک‌ها که نقش نظارتی خاصی دارند، نظارتی که به

1. Sharma
3. Connelly, Hoskisson, Tihanyi & Certo
5. Loan Lender power

2. Weiss & Beckerman
4. Arthurs & Busenitz

نماینده‌گی از سپرده‌گذاران بر دریافت‌کنندگان وام اعمال می‌کنند. نظارت از سوی وام‌دهندگان، برای اشخاص برون‌سازمانی، سایر بستانکاران و برای سهامداران پیامدهای منفی و مثبت خواهد داشت (ترینتیس و دانیلز، ۱۹۹۵). در چارچوب نظریه ارزیابی شناختی، مداخله برون‌سازمانی، می‌تواند انگیزه درونی مدیران برای رفتار اخلاق‌مدارانه را از بین ببرد. این شرایط به‌طور خاص زمانی مصداق دارد که تمرکز این نظارت اغلب بر بازده مالی مثبت و مستمر باشد، در صورتی که مدیران، عملکرد اثربخشی نداشته باشند، داشتن وام، ریسک برای شرکت را باعث می‌شود. به بیان دیگر، عملکرد نامطلوب مدیران ممکن است شرکت‌ها را به نقض قراردادهای بدهی رهنمون سازد. نقض هر یک از مفاد این قراردادهای عمل خلاف به حساب می‌آید و چون شرکت نتوانسته به تعهدات خود عمل کند، به وام‌دهنده چنین حقی داده می‌شود که اقدامات قانونی به عمل آورد (پارساییان، ۱۳۸۷). از آنجا که جلوگیری از تخلف در قراردادهای بدهی یکی از انگیزه‌های تقلب است، در چنین شرایطی انگیزه مدیران برای گزارشگری متقلبانه افزایش خواهد یافت. قدرت وام‌دهندگان شرکت با استفاده از تمرکز وام‌دهندگان و به‌طور خاص از وام‌دهندگان بانکی اندازه‌گیری می‌شود. با توجه به استدلال‌های ذکر شده، فرضیه دوم بدین شرح تدوین شده است:

فرضیه دوم: قدرت وام‌دهندگان با احتمال تقلب مالی رابطه مثبت دارد.

پیشینه تجربی

در پیشینه نظری اشاره شد که دو جریان تحقیقاتی متفاوت، ارتباط بین سازوکارهای راهبری شرکتی و تقلب مالی را بررسی کرده‌اند. جریان اول پژوهش‌ها، برای بررسی رابطه بین دو متغیر، از استدلال‌های نظریه نمایندگی سنتی بهره برده‌اند و در جریان تحقیقاتی دوم، نظریه نمایندگی رفتاری مبتنی بر مالی رفتاری، پایه و اساس پیش‌بینی ارتباط بین سازوکارهای راهبری شرکتی و تقلب است. جریان نخست قلمرو پژوهشی گسترده و مشتمل بر تحقیقات بسیاری در خارج و داخل کشور است؛ در حالی که به جریان تحقیقاتی دوم در نوشتارهای تخصصی خارج از کشور تا حدی توجه شده، اما در داخل پژوهشی تاکنون این حوزه را بررسی نکرده است. بر اساس توضیحات ارائه شده، در ادامه گزیده‌ای از پژوهش‌های هر دو جریان به‌طور خلاصه مرور می‌شود.

لیائو، اسمیت و لیو^۲ (۲۰۱۹) تأثیر حضور مدیر مالی ارشد زن بر تقلب حسابداری را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد شرکت‌هایی که مدیر ارشد مالی زن دارند، به‌طور چشمگیری کمتر درگیر تقلب حسابداری می‌شوند. بر اساس نتیجه دیگر این تحقیق، رابطه بین حضور مدیر مالی ارشد و تقلب حسابداری در شرکت‌های دولتی که نگرانی‌های سیاسی در آنها برجسته‌تر است، معناداری کمتری دارد. بررسی‌های بیشتر نشان داد رابطه منفی یاد شده بین این دو متغیر در شرکت‌هایی که هیئت مدیره از تنوع جنسیتی برخوردار است، در مقایسه با شرکت‌های تک جنسیتی (هیئت مدیره فقط شامل اعضای مرد باشد) به‌شدت معنادار است. علاوه بر این، در موقعیت‌هایی که مدیر عامل شرکت ضعیف باشد و زمانی که مدیر ارشد مالی هم‌زمان مدیر اجرایی نیز باشد، رابطه بین حضور مدیر مالی زن و تقلب حسابداری قوی‌تر است.

فو^۱ (۲۰۱۸) ارزش سازوکارهای مختلف راهبری شرکتی برای شرکت‌های عضو بورس چین را در کمپین مبارزه با فساد چین، بررسی کرد. نتایج نشان داد شرکت‌هایی که برخی از اعضای آن افراد درگیر در فساد بوده و به‌عنوان بخشی از کمپین مبارزه با فساد شناسایی شدند، بعد از صدور اعلامیه پیگرد قانونی آنان، بخش شایان توجهی از ارزش بازار خود را از دست داده‌اند. راهبری شرکتی برون‌سازمانی خوب و مناسب می‌تواند تأثیر کوتاه‌مدت این گونه اتفاقات منفی را تعدیل کند. همچنین، به‌نظر می‌رسد که راهبری برون‌سازمانی در کاهش ریسک سقوط سهام در بلندمدت اثرگذار باشد. این اثر در شرکت‌های درگیر در فساد بیشتر مستند شده است.

شی و همکارانش (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان «راهبری شرکتی برون‌سازمانی و تقلب مالی؛ ارزیابی شناختی از تجویزهای نظریه نمایندگی» انجام دادند. نتایج نشان داد که سازوکارهای راهبری شرکتی برون‌سازمانی بر احتمال تقلب مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بر این اساس، نتیجه‌گیری کردند که می‌توان با بهبود سازوکارهای راهبری شرکتی، انگیزه مدیران برای دستکاری صورت‌های مالی و ارتکاب تقلب را کاهش داد.

حبیب و بحیویان (۲۰۱۶) دریافتند که اعضای موظف هیئت مدیره بر رابطه کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی اثر مثبت دارند و این اثر برای مدیران موظف دارای مشکل در ارائه گزارشگری متقابلانه، برجسته‌تر است.

بکستر و کوتر^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود رابطه بین شکل‌گیری کمیته حسابرسی، استقلال و تخصص مالی، اندازه، فعالیت و چرخش اعضای کمیته حسابرسی را با مدیریت سود و تقلب مالی بررسی کردند. نتایج حاکی از آن بود که احتمال تقلب مالی و مدیریت سود با شکل‌گیری کمیته حسابرسی کاهش می‌یابد؛ ولی بین سایر ویژگی‌های بررسی شده کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی، رابطه‌ای یافت نشد.

خواجوی و ابراهیمی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند، نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن بود که صرف نظر از اهرم مالی، سودآوری، ترکیب دارایی‌ها، نقدینگی، کارایی، اندازه و رشد، بین ترکیب هیئت مدیره، تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی با تقلب در صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

برزگری خانقاه، جمالی و عارف‌منش (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه مکانیزم‌های انتخابی حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار میان استقلال اعضای هیئت‌مدیره و درصد مالکیت ایشان و همچنین دوره تصدی رئیس هیئت‌مدیره با احتمال وقوع تقلب بود. همچنین یافته‌ها بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی بود. ضمن آنکه رابطه معناداری میان تعداد جلسات هیئت‌مدیره و مالکیت سهامداران نهادی با احتمال وقوع تقلب دیده نشد. علاوه بر این یافته‌های حاکی از آن بود که وقوع زیان در دو سال ماقبل گزارشگری مالی متقابلانه، احتمال وقوع تقلب را افزایش می‌دهد. سایر نتایج به‌دست آمده بیانگر آن بود که با افزایش دوره تصدی حسابرس و کاهش رتبه کیفی مؤسسه حسابرسی، احتمال وقوع تقلب افزایش می‌یابد. نتایج بررسی رابطه میان اندازه مؤسسه حسابرسی و احتمال وقوع تقلب نیز، رابطه معناداری میان این دو متغیر نشان نداد.

1. Fu

2. Baxter & Cotter

حجازی و مختاری‌نژاد (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین تخصص اعضای هیئت‌مدیره، اثربخشی کمیته حسابرسی و اثربخشی اعضای غیرموظف مستقل هیئت‌مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه، رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی ساختار حاکمیت شرکتی اثربخش، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش و اعتبار گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این نتایج بیانگر وجود رابطه معنادار بین اهرم مالی (نسبت بدهی) و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه است. همچنین اندازه هیئت‌مدیره و اندازه شرکت بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه تأثیر معناداری ندارد.

سجادی و کاظمی (۱۳۹۵) با هدف ارائه الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبانه در ایران به روش نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان، از طریق کسب نظر خبرگان و بررسی اسناد و مدارک موجود در خصوص گزارشگری مالی متقلبانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند که عامل فشار، شرط علی گزارشگری متقلبانه است. همچنین نتایج نشان داد که انگیزه پاداش مدیران، انگیزه سوءاستفاده از دارایی‌ها، هزینه‌های سیاسی، مقاصد مالیاتی و تحصیل شرکت توسط مدیران نیز بر گزارشگری مالی متقلبانه مؤثرند.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش بعد از ورود داده‌ها به نرم‌افزار با توجه دو وجهی بودن متغیر وابسته، از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. شرکت‌های بررسی شده با اعمال محدودیت‌های زیر انتخاب شدند:

- سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان ماه اسفند باشند.
 - شرکت‌های فعال در بخش‌های (سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها، واسطه‌گری‌ها) حذف شدند.
 - دارای وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نباشند.
 - طی بازه زمانی تحقیق از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده حذف نشده و سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 - کلیه داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای تحقیق در دسترس باشد.
- با لحاظ کردن معیارهای فوق، ۱۲۸ شرکت انتخاب شد و با توجه به دوره زمانی بررسی شده، ۷۶۸ مشاهده شرکت - سال به دست آمد.

متغیرها و مدل‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده شده که در ادامه متغیرهای هر دو مدل معرفی شده‌اند.

$$\begin{aligned}
 \text{Fraud}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \text{Ownership}_{it} + \beta_2 \text{ROA}_{it} + \beta_3 \text{SIZE}_{it} + \beta_4 \text{EFinancing}_{it} \\
 & + \beta_5 \text{LEV}_{it} + \beta_6 \text{CER}_{it} + \beta_7 \text{R\&D}_{it} + \beta_8 \text{OC}_{it} + \beta_9 \text{BI}_{it} + \beta_{10} \text{CEO}_{it} \\
 & + \beta_{11} \text{BS}_{it} + \varepsilon_{it}
 \end{aligned}
 \quad (۱)$$

$$Fraud_{it} = \beta_0 + \beta_1 Cllp_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 EFinancing_{it} + \beta_5 CER_{it} + \beta_6 R\&D_{it} + \beta_7 OC_{it} + \beta_8 BI_{it} + \beta_9 CEO_{it} + \beta_{10} BS_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

متغیر وابسته

Fraud_{it}: احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی، متغیر وابسته این پژوهش است که برای اندازه‌گیری آن بر اساس مطالعه خواجوی و ابراهیمی (۱۳۹۶) مطابق با استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ با عنوان «مسئولیت حسابرسان در ارتباط با تقلب و اشتباه در صورت‌های مالی» از علائم نشان‌دهنده احتمال وجود تحریف‌های ناشی از تقلب در صورت‌های مالی بدین شرح استفاده می‌شود: ۱. بیش‌نمایی موجودی کالا؛ ۲. بیش‌نمایی حساب‌ها و اسناد دریافتی؛ ۳. بیش‌نمایی دارایی‌های ثابت؛ ۴. بیش‌نمایی سرمایه‌گذاری‌ها؛ ۵. کسری ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول؛ ۶. کسری استهلاک؛ ۷. بیش‌نمایی درآمدها؛ ۸. بیش‌نمایی سود؛ ۹. بیش‌نمایی سود انباشته؛ ۱۰. کم‌نمایی حساب‌ها و اسناد پرداختی؛ ۱۱. کسری ذخیره مالیات؛ ۱۲. بدهی‌های احتمالی؛ ۱۳. کسری ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان؛ ۱۴. کم‌نمایی هزینه‌ها و حساب‌ها و اسناد دریافتی که مدت زیادی از سررسید آنها گذشته است. چنانچه هر یک از این علائم در بندهای تعدیلی گزارش‌های حسابرسی سالانه شرکت‌ها وجود داشته باشد، مقدار آن برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این پژوهش، مالکیت نهادی اختصاصی و قدرت وام‌دهندگان است.

Downership_{it} (مالکیت نهادی اختصاصی): با توجه به تحقیقات بوشی (۲۰۰۱)، شی و همکاران (۲۰۱۷) و ستایش و ابراهیمی میمند (۱۳۹۳) و همان‌گونه که در پیشینه نظری پژوهش بیان شد، در صورتی که گردش و تنوع پرتفوی سهام کم باشد، مالکیت نهادی از نوع اختصاصی خواهد بود. برای اندازه‌گیری تنوع و گردش از مدل‌های پژوهش‌های بوشی (۲۰۰۱ و ۱۹۹۸) و یان و ژانگ (۲۰۰۹) استفاده شده است. این مدل‌ها برای پرتفوی بورسی سرمایه‌گذاران نهادی که شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، بانک‌ها، بنیادها، نهادها و سازمان‌های دولتی است، استفاده شده است.

تنوع بوشی (۱۹۹۸) در اندازه‌گیری تنوع چند شاخص را به کار گرفت که شاخص APH دارای بیشترین اهمیت بود. بر این اساس در پژوهش حاضر نیز از این شاخص استفاده می‌شود:

$$APH = \frac{\sum_{k=1}^n [(S_{k,t} \times P_{k,t}) PH_{k,y}]}{\sum_{k=1}^n (S_{k,t} \times P_{k,t})} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن، S تعداد سهم K در پایان سال t است که به وسیله سهامدار نهادی نگهداری می‌شود؛ P قیمت سهم K در پایان سال t است و PH درصدی از کل سهام شرکت K است که در پایان دوره از سوی سهامدار نهادی نگهداری می‌شود.

گردش: برای اندازه‌گیری گردش پرتفوی (PT) سرمایه‌گذار نهادی مطابق پژوهش‌های بوشی (۱۹۹۸) و یان و ژانگ (۲۰۰۹) از قدرمطلق تغییرات پرتفوی سهامدار نهادی به شرح زیر استفاده شده است:

$$PT = \frac{\sum_{k=1}^n |S_{k,t} \times P_{k,t} - S_{k,t-1} \times P_{k,t-1} - S_{k,t-1} \times \Delta P_{k,t}|}{\sum_{k=1}^n \frac{S_{k,t} \times P_{k,t} + S_{k,t-1} \times P_{k,t-1}}{2}} \quad (\text{رابطه ۲})$$

که در آن، ΔP بیانگر تفاوت قیمت سهام بین سال‌های t و $t-1$ است.

در صورتی که گردش و تنوع کم باشد، نوع مالکیت نهادی از نوع اختصاصی است که در این حالت برای آن عدد ۱ و در غیر این صورت صفر لحاظ می‌شود.

Clp_{it} (قدرت وام‌دهندگان شرکت): مشابه با پژوهش دراماستیتو و واهودی (۲۰۱۳)، قدرت وام‌دهندگان با استفاده از تمرکز وام‌دهندگان به‌ویژه بانک‌ها اندازه‌گیری می‌شود. به این معنا که قدرت وام‌دهندگان از تقسیم وام دریافتی شرکت بر کل بدهی‌های شرکت محاسبه می‌شود. مقدار این متغیر در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد.

متغیرهای کنترل

پژوهش‌های پیشین (لیائو و همکاران، ۲۰۱۹؛ شی و همکاران، ۲۰۱۷؛ خواجه‌وی و ابراهیمی، ۱۳۹۷؛ قادری و قادری، ۱۳۹۶؛ برزگری خانقاه و همکاران، ۱۳۹۶) چندین عامل را برای تقلب در صورت‌های مالی برشمرده‌اند که ممکن است بر احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی تأثیرگذار باشند؛ از این رو در پژوهش حاضر تأثیر این عوامل کنترل می‌شود. متغیرهای مذکور عبارت‌اند از:

ROA_{it} (نرخ بازگشت دارایی‌ها): برابر است با نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها

$SIZE_{it}$ (اندازه شرکت): برابر با لگاریتم کل دارایی‌ها

$EFinancing_{it}$ (تأمین مالی خارجی): به‌منظور اندازه‌گیری این متغیر از نرخ رشد دارایی‌ها استفاده می‌شود که برابر

است با بازده دارایی‌ها تقسیم بر یک منهای بازده دارایی‌ها

LEV_{it} (اهرم مالی): نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

CER_{it} (شدت هزینه سرمایه): نسبت هزینه سرمایه تقسیم بر کل درآمد فروش

$R\&D_{it}$ (شدت تحقیق و توسعه): نسبت هزینه تحقیق و توسعه تقسیم بر کل درآمد فروش

OC_{it} (تمرکز مالکیت): مجموع سهام سهامداران دارای بیش از ۵ درصد از سهام شرکت به تعداد کل سهام

BI_{it} (استقلال هیئت مدیره): تعداد مدیران غیرموظف به تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره

CEO_{it} (دوگانگی وظایف رئیس هیئت مدیره): متغیر موهومی است که در صورت یکسان بودن نقش رئیس

هیئت‌مدیره و مدیر عامل عدد ۱ و در غیر این صورت صفر

BS_{it} (اندازه هیئت مدیره): تعداد اعضای هیئت‌مدیره

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی مربوط به هر یک از متغیرها در جدول ۲ آورده شده است. در این بخش ابتدا میانگین هر یک از متغیرها ذکر شده که نشان‌دهنده متوسط اعداد به‌دست آمده برای هر یک از متغیرهاست. برای مثال، در خصوص احتمال تقلب که متغیر وابسته تحقیق و یک متغیر دو وجهی با مقادیر صفر (عدم وجود تقلب) و یک (وجود تقلب) است، مقدار ۰/۳۰۷

به‌دست آمده که نشان می‌دهد احتمال تقلب در شرکت‌های بررسی‌شده تقریباً ۳۱ درصد است. انحراف معیار این شاخص ۰/۰۸۹ محاسبه شده که نشان‌دهنده پراکندگی اندک داده‌های تقلب مالی است. سایر متغیرهای به‌کار رفته در تحقیق متغیرهای مستقل هستند. برای مالکیت نهادی اختصاصی، میانگین برابر با ۰/۱۱۴ به‌دست آمده که نشان می‌دهد در شرکت‌های بررسی‌شده، به‌طور متوسط حدود ۱۱ درصد از سهام در اختیار مالکان نهادی (بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ...) است؛ اما انحراف معیار این شاخص ۰/۲ است که گویای پراکندگی بسیار داده‌های این متغیر است. برای متغیر قدرت وام‌دهندگان نیز با توجه به میانگین به‌دست آمده (۳۴۹)، می‌توان گفت در شرکت‌های بررسی‌شده حدود ۳۵ درصد از بدهی‌های شرکت‌ها را وام تشکیل می‌دهد. بازده دارایی‌های شرکت‌ها به‌صورت متوسط ۳۷ درصد با پراکندگی ۷ درصد بوده که نشان‌دهنده بازده فراوانی است. متوسط مقدار تأمین مالی خارجی شرکت‌ها ۰/۶۱ و متوسط شاخص اهرم مالی ۰/۳۴ بوده است. برای متغیرهای شدت هزینه سرمایه و شدت تحقیق و توسعه میانگین به‌ترتیب برابر با ۰/۵۶ و ۰/۱۳ بوده است. آمار توصیفی بقیه متغیرها نیز در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
تقلب مالی	Fraud	۷۶۸	۰/۳۰۷	۰	۱
مالکیت نهادی اختصاصی	DOwnership	۷۶۸	۰/۱۱۴	۰	۱
قدرت وام‌دهندگان	Cllp	۷۶۸	۰/۳۴۹	۰/۷۱۹	۰/۰۸۴
بازده دارایی‌ها	ROA	۷۶۸	۰/۳۷۴	۰/۰۴۷	۰/۷۸۴
اندازه شرکت	Size	۷۶۸	۱۴/۳۱۲	۱۱/۶۲	۱۸/۸۳
تأمین مالی خارجی	EFinancing	۷۶۸	۰/۶۱۷	۰/۳۱۶	۰/۹۷۱
اهرم مالی	LEV	۷۶۸	۰/۳۴۲	۰/۱۸۴	۱/۶۰۸
شدت هزینه سرمایه	CER	۷۶۸	۰/۵۶۷	۰/۳۱۹	۰/۷۱۹
شدت تحقیق و توسعه	R&D	۷۶۸	۰/۱۳۷	۰/۰۲۴	۰/۴۱۷
تمرکز مالکیت	OC	۷۶۸	۰/۶۲۱	۰/۴۱۶	۰/۷۱۶
استقلال هیئت‌مدیره	BI	۷۶۸	۰/۴۲۱	۰/۳۶۷	۰/۶۱۹
دوگانگی وظایف رئیس هیئت‌مدیره	CEO	۷۶۸	۰/۴۴۷	۰/۲۷۱	۱
اندازه هیئت‌مدیره	BS	۷۶۸	۶	۵	۷

با توجه به اینکه متغیر احتمال تقلب مالی به‌صورت متغیر مجازی (۰ و ۱) است، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل لجستیک استفاده می‌شود. در مدل‌های لجستیک برای آزمون معنادار بودن ضریب متغیرهای توضیحی مدل از آماره Z و برای آزمون معناداری کلی مدل از آماره LR استفاده می‌شود. رگرسیون لجستیک به‌نبود همخطی بین متغیرهای مستقل، حساسیت بسیاری دارد. در صورت وجود همخطی بین متغیرها، برآوردها دارای اریب شده و خطاهای استاندارد نیز با نوسان زیادی همراه می‌شود. در این پژوهش، همخطی متغیرهای مستقل از طریق شاخص VIF بررسی شده است. فرض مهم دیگر این است که میانگین خطاهای مدل رگرسیون باید برابر صفر باشد. اگر در مدل‌های رگرسیونی یک جمله ثابت در مدل وجود داشته باشد، این فرض هرگز نقض نخواهد شد (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹). فرض دیگر این است که جملات خطا، باید از توزیع نرمال برخوردار باشند. بر اساس قضیه حد مرکزی، چنانچه تعداد مشاهدات یا

نمونه‌های آماری افزایش یابد و به سمت بی‌نهایت میل کند ($n > 30$)، توزیع آنها به سمت توزیع نرمال میل خواهد کرد (نوفرستی، ۱۳۸۰). تعداد مشاهدات این تحقیق ۷۶۸ مشاهده (شرکت - سال) است، از این رو می‌توان برقرار بودن این فرض را پیش‌بینی کرد. همچنین در این تحقیق به منظور اطمینان از برقراری شرط فوق، از آزمون جارک - برا استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون نرمال بودن جمله خطا

نتیجه	احتمال	آماره جارک- برا	مدل
تأیید نرمال بودن جزء خطا	۰/۱۷۲۲	۳/۲۸۶۱	مدل اول
تأیید نرمال بودن جزء خطا	۰/۱۲۵۶	۲/۹۰۳۳	مدل دوم

همان طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، سطح معناداری آزمون جارک - برا برای هر دو مدل تحقیق بیشتر از ۵ درصد است. بنابراین می‌توان ادعا کرد فرض صفر، یعنی نرمال بودن اجزای خطا رد نمی‌شود؛ در نتیجه اجزای خطای مدل‌ها از توزیع نرمال برخوردارند.

یکی از مفروضات مدل رگرسیون لجستیک نبود همخطی چشمگیر بین متغیرهای مستقل است. وجود همخطی بین متغیرهای مستقل باعث می‌شود نتایج برازش مدل رگرسیون اتکاپذیر نباشد. عامل تورم واریانس (VIF)، معیار مفیدی برای آزمون همخطی بین متغیرهای مستقل است. عامل تورم واریانس بیشتر از ۱۰ نشان‌دهنده احتمال همخطی بین متغیرهای مستقل و مقدار بیشتر از ۲۰ بیانگر مشکل جدی در استفاده از رگرسیون در وضعیت موجود آن است (مؤمنی و قیومی، ۱۳۹۱). نتایج آزمون همخطی با استفاده از شاخص عامل تورم واریانس در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. آزمون همخطی بین متغیرهای مستقل

متغیرهای تحقیق	عامل تورم واریانس (VIF)
مالکیت نهادی اختصاصی	۱/۰۱۶
قدرت وام‌دهندگان	۲/۹۳۷
بازده دارایی‌ها	۱/۳۲۱
اندازه شرکت	۱/۰۱۷
تأمین مالی خارجی	۱/۲۳۴
اهرم مالی	۲/۱۱۵
شدت هزینه سرمایه	۲/۴۱۸
شدت تحقیق و توسعه	۱/۶۴۱
تمرکز مالکیت	۱/۳۲۸
استقلال هیئت‌مدیره	۳/۲۶۴
دوگانگی وظایف رئیس هیئت‌مدیره	۲/۲۱۸
اندازه هیئت‌مدیره	۳/۰۹۸

از آنجا که ارقام مربوط به شاخص عامل تورم واریانس، بیشتر از ۱۰ نیست، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای مستقل تحقیق دارای همخطی شایان توجهی نیستند. پس از ارائه آمار توصیفی و همچنین بررسی فروض مدل رگرسیون لجستیک، فرضیه‌های تحقیق آزمون شدند. بنابراین، در این بخش به بررسی آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول تحقیق بدین شرح است: وجود مالکیت نهادی اختصاصی با احتمال تقلب مالی رابطه مثبتی دارد. یافته‌های برازش مدل رگرسیون فوق در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج برآورد مدل ۱ برای آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	آماره z	احتمال آماره (Sig.)
متغیر ثابت	c	۲/۲۶۱	۰/۰۱۸۳
مالکیت نهادی اختصاصی	DOwnership	۰/۴۷۱۲	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۸۹۳۴	۰/۰۹۸۶
اندازه شرکت	Size	۰/۱۰۲۳	۰/۱۴۳۳۹
تأمین مالی خارجی	EFinancing	-۰/۲۱۵۱	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۰/۱۱۸۲	۰/۵۳۱۹
شدت هزینه سرمایه	CER	۰/۲۰۱۷	۰/۰۰۶۱
شدت تحقیق و توسعه	R&D	۰/۳۱۵۸	۰/۰۰۰۰
تمرکز مالکیت	OC	۰/۲۳۱۶	۰/۰۰۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	BI	۰/۴۴۱۵	۰/۰۰۰۰
دوگانگی وظایف رئیس هیئت‌مدیره	CEO	۰/۵۱۸۵	۰/۰۰۰۰
اندازه هیئت‌مدیره	BS	۰/۰۶۷۴	۰/۰۰۳۱
ضریب تعیین (R^2) مک‌فادن	آماره LR	معناداری آماره LR	۰/۴۱۲۵

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۵، مقدار احتمال آماره LR برای بررسی معناداری کل مدل، برابر با ۰/۰۰ و از سطح خطای $\alpha=0/05$ کمتر است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که مدل ۱ معنادار بوده و حداقل یکی از متغیرهای توضیحی مدل بر متغیر وابسته (احتمال تقلب مالی) تأثیر معناداری می‌گذارد. مقدار ضریب تعیین مک‌فادن مدل رگرسیون برابر با ۰/۴۱۲۵ است که نشان می‌دهد حدود ۴۱ درصد از رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود.

در خصوص آزمون فرضیه اول، مقدار احتمال آماره متغیر مالکیت نهادی اختصاصی (DOwnership) برابر با ۰/۰۰ و کمتر از سطح خطای مد نظر ۵ درصد است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که متغیر مالکیت نهادی اختصاصی بر احتمال تقلب مالی تأثیر معناداری دارد. با توجه به ضریب به‌دست آمده (۰/۴۷۱۲) نیز می‌توان گفت که مالکیت نهادی اختصاصی بر احتمال تقلب مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد و در نتیجه فرضیه اول تحقیق را نمی‌توان رد کرد. در خصوص متغیرهای کنترلی مدل، مقدار احتمال آماره متغیرهای بازده دارایی‌ها (۰/۰۹۸۶)، اندازه شرکت (۰/۱۴۳۹) و اهرم مالی (۰/۵۳۱۹) از سطح خطای ۵ درصد بیشتر است. بنابراین بازده دارایی‌ها، اندازه شرکت و اهرم مالی بر احتمال تقلب مالی

تأثیر معناداری ندارند. مقدار احتمال آماره متغیرهای تأمین مالی، شدت هزینه سرمایه، شدت تحقیق و توسعه، تمرکز مالکیت، استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی وظایف رئیس هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره کمتر از سطح خطا و نشان‌دهنده تأثیر معنادار این متغیرها بر احتمال تقلب مالی است که در این بین تأمین مالی خارجی تأثیر منفی و بقیه متغیرها تأثیر مثبت دارند.

نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم تحقیق به این صورت مطرح شد: قدرت وام‌دهندگان رابطه مثبتی با احتمال تقلب مالی دارد. یافته‌های برازش مدل رگرسیون ۲ در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج برآورد مدل ۲ برای آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	آماره z	احتمال آماره (Sig.)
متغیر ثابت	c	۲/۳۶۲	۰/۰۱۲۷
قدرت وام‌دهندگان	Clip	۷/۵۵۷۴	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	-۱/۲۳۶۹	۰/۱۲۱۶
اندازه شرکت	Size	۱/۰۳۱	۰/۲۰۴۸
تأمین مالی خارجی	EFinancing	-۴/۱۵۸۴	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۱/۱۸۵۱	۰/۱۳۹۵
شدت هزینه سرمایه	CER	۳/۲۷۱۸	۰/۰۰۳۲
شدت تحقیق و توسعه	R&D	۳/۰۳۷۱	۰/۰۰۲۱
تمرکز مالکیت	OC	۳/۳۲۶	۰/۰۰۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	BI	۴/۳۴۵	۰/۰۰۰۰
دوگانگی وظایف رئیس هیئت‌مدیره	CEO	۴/۳۳۴	۰/۰۰۰۰
اندازه هیئت‌مدیره	BS	۳/۲۶۱۵	۰/۰۰۲۶
ضریب تعیین (R^2) مک فادن	آماره LR	معناداری آماره LR	۳۲/۲۰۵۵

با توجه نتایج ارائه شده در جدول ۶، مقدار احتمال آماره LR برای بررسی معناداری کل مدل، برابر با ۰/۰۰ و از سطح خطای $\alpha=۰/۰۵$ کمتر است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که مدل ۲ معنادار است و حداقل یکی از متغیرهای توضیحی مدل بر متغیر وابسته (احتمال تقلب مالی) تأثیر معناداری می‌گذارد. مقدار ضریب تعیین مک‌فادن مدل رگرسیون ۰/۵۲۱۸ به دست آمده که نشان می‌دهد حدود ۵۲ درصد از رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود. در خصوص آزمون فرضیه دوم، مقدار احتمال آماره متغیر قدرت وام‌دهندگان (Clip) برابر با ۰/۰۰۰۰ و کمتر از سطح خطای مد نظر ۵ درصد است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که متغیر قدرت وام‌دهندگان بر احتمال تقلب مالی تأثیر معناداری می‌گذارد. با توجه به ضریب به دست آمده (۰/۳۱۶۵) نیز می‌توان گفت که قدرت وام‌دهندگان بر احتمال تقلب مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد و در نتیجه فرضیه دوم تحقیق را نمی‌توان با اطمینان رد کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین راهبری شرکتی برون‌سازمانی و احتمال تقلب مالی با تمرکز بر ارزیابی شناختی از تجویزهای نظریه نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود، بدین منظور دو فرضیه تدوین و با استفاده از داده‌های نمونه‌ای متشکل از ۱۲۸ شرکت بررسی و آزمون شد.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که بین وجود مالکیت نهادی اختصاصی و احتمال تقلب مالی رابطه مثبتی وجود دارد. بر مبنای تجویز نظریه نمایندگی سنتی، سرمایه‌گذاران نهادی اختصاصی می‌توانند مشکلات نمایندگی را کاهش دهند، زیرا انگیزه دارند که بر مدیران نظارت کنند و به دلیل میزان سهام‌های نگهداری شده، توانایی ایجاد تغییرات را دارند (شلیفر و ویشنی^۱، ۱۹۹۷) و در نتیجه در رابطه با احتمال تقلب، نقش کاهنده‌ای ایفا می‌کنند. در حالی که این فرضیه بر مبنای نظریه نمایندگی رفتاری، توجه خود را بر انتظارات قدرتمند اعمال شده بر مدیران از طریق فشار برون‌سازمانی مالکان اختصاصی نهادی متمرکز کرده است، نتایج نشان داد که ساختار مالکیت ایجاد شده توسط مالکان اختصاصی می‌تواند پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیری به شکل کاهش انگیزه درونی داشته باشد که به احتمال بیشتر تقلب مالی مدیریت منجر می‌شود. این یافته مؤید آن است که سهامداران قدرتمند برای کاهش تقلب، به جای اینکه نقشی کمک‌کننده داشته باشند، ممکن است آسیب‌رساننده نیز باشند. این یافته مشابه با نتیجه پژوهش شی و همکاران (۲۰۱۶) و سجادی و کاظمی (۱۳۹۵) بوده و با پیش‌بینی نظریه نمایندگی رفتاری سازگار است؛ اما عکس یافته خواجوی و ابراهیمی (۱۳۹۷) مبنی بر وجود رابطه منفی و معنادار بین مالکیت نهادی با تقلب در صورت‌های مالی بوده که مطابق با رابطه بین دو متغیر مذکور بر اساس نظریه نمایندگی سنتی است.

یافته به‌دست آمده از بررسی فرضیه دوم نیز بیانگر آن است که قدرت وام‌دهندگان با احتمال تقلب مالی رابطه مثبت دارد.

بر مبنای نظریه نمایندگی سنتی، قراردادهای بدهی که به‌عنوان الزامات بازپرداخت اعمال می‌شود، به تحریک و تشویق مدیران به نظم و انضباط بیشتر و همچنین محدودیت فعالیت‌هایی منجر می‌شود که به بازپرداخت وام‌ها آسیب می‌رساند؛ اما بر مبنای نظریه نمایندگی رفتاری، اعمال فشار برون‌سازمانی از سوی وام‌دهندگان (به‌ویژه وام‌دهندگان بانکی) بر مدیران که از آن به «قدرت وام‌دهندگان» تعبیر می‌شود، به کاهش انگیزه درونی آنان در جهت رفتار درست و به تبع آن، افزایش احتمال تقلب منجر می‌شود. همان طور که گفت شد، پژوهش حاضر برای نخستین بار در نوشتارهای تخصصی حسابداری تأثیر متغیر قدرت وام‌دهندگان را بر احتمال تقلب مالی با تمرکز بر ارزیابی شناختی از تجویز نظریه نمایندگی بررسی کرده است، بنابراین پژوهشی در دسترس نیست که هم‌راستایی یا ناهم‌راستایی نتیجه با آن مقایسه شود.

شواهد حاصل از این پژوهش، پشتوانه‌ای تجربی بر این مدعا فراهم می‌کند که اعمال سازوکارهای راهبری برون‌سازمانی با هدف تأمین منافع سهامداران و کاهش مشکلات نمایندگی، احتمال تقلب مالی مدیران را افزایش می‌دهد. هر دو سازوکار راهبری برون‌سازمانی بررسی‌شده (مالکیت نهادی اختصاصی و قدرت وام‌دهندگان)، ارزش

توضیح‌دهندگی در زمینه تقلب مالی را فراهم کرده و هر یک تضادهایی در رابطه با تجویزهای نظریه نمایندگی سنتی ایجاد کرده که به توسعه نظریه نمایندگی منجر می‌شود.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، پیشنهاد اصلی به متولیان تدوین قوانین و مقررات در این حوزه است، به این دلیل که ممکن است برای تدوین مقررات در خصوص راهبری شرکتی با تناقض مواجه شوند. به هر حال در این زمینه توجه به این نکته ضروری است که اعمال نظارت و کنترل برون‌سازمانی شدید، می‌تواند ضمن کاهش انگیزه درونی مدیران عالی‌رتبه، به کاهش تمرکز آنها بر ارزش درونی منجر شود و به‌طور بالقوه آنان را به ارتکاب تقلب مالی رهنمون کند. در نتیجه به نظر می‌رسد افزایش نظارت بیرون‌سازمانی تا حدی به کاهش احتمال تقلب بینجامد و فشار بیشتر بر مدیران، انگیزه تقلب آنان را در راستای دفاع از عملکرد خود افزایش دهد، بنابراین به نظر می‌رسد که برای میزان نظارت باید حد بهینه‌ای وجود داشته باشد.

در انتها باید اذعان کرد که همانند سایر پژوهش‌ها، مطالعه حاضر نیز با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. یکی از محدودیت‌های پژوهش‌های آرشیوی آن است که نمی‌توان اندیشه‌های افراد را به‌طور دقیق و همه‌جانبه اندازه‌گیری کرد. این محدودیت در پژوهش حاضر نیز مصداق دارد؛ زیرا تمرکز نظریه ارزیابی شناختی بر تغییرات در انگیزه درونی افراد تحت تأثیر انگیزش برون‌سازمانی است. در این پژوهش بر اساس رفتار مدیران، در خصوص چگونگی انگیزش آنان نتیجه‌گیری و قضاوت شد. به بیان دیگر، در صورتی که از ابزارهای دیگر برای مشاهده و سنجش مستقیم نحوه تصمیم‌گیری مدیران تحت فشارهای برون‌سازمانی استفاده می‌شد، ممکن بود نتایج متفاوتی حاصل شود. بر اساس محدودیت مذکور، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، موضوع پژوهش حاضر از طریق طرح آزمایش تجربی - رفتاری و ارائه سناریو بر اساس وجود شرایط برون‌سازمانی، نحوه تصمیم‌گیری مدیران به‌طور دقیق مشخص شود.

منابع

- اعتمادی، حسین؛ عبدلی، لیلا (۱۳۹۶). کیفیت حسابرسی و تقلب در صورت‌های مالی، *دانش حسابداری مالی*، (۴)۴، ۲۳-۴۳.
- بذرافشان، وجیهه؛ بذرافشان، آمنه؛ صالحی، مهدی (۱۳۹۷). بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، (۴)۲۵، ۴۵۷-۴۷۸.
- برزگری‌خانقاه، جمال؛ جمالی، زهرا؛ عارف منش، زهره. (۱۳۹۶). *بررسی رابطه مکانیزم‌های انتخابی حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دولتی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری.*
- پورحیدری، امید؛ افلاطونی، عباس؛ نیکبخت، زهرا (۱۳۸۹). بررسی توانایی وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی در پیش‌بینی وجوه نقد آتی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۲۶، ۲۶-۲۹.
- پارساییان، علی (۱۳۸۷). *نظریه اثباتی حسابداری*، اثر جرالد ال زیرمن، راس ال، واتر. تهران: انتشارات ترمه.
- جعفری، فرناز؛ رحیمی‌النگ، محبوبه؛ صفری‌گرایی، مهدی (۱۳۹۴). حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی. *دومین همایش ملی حسابداری، مدیریت و اقتصاد ایران*. بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گز.

- جودی، سمیرا؛ منصورفر، غلامرضا؛ دیدار، حمزه (۱۳۹۸). کیفیت حاکمیت شرکتی درونی و بیرونی، عدم تقارن اطلاعاتی و نگهداشت وجه نقد: افزایش یا کاهش ارزش شرکت؟ بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۱)، ۳۹-۶۴.
- حجازی، رضوان؛ مختاری نژاد، حمیدرضا (۱۳۹۶). رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه. حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲(۳)، ۳۳-۶۰.
- خرمی، داریوش، غلامی جمکرانی، رضا (۱۳۹۵). سازوکارهای راهبری شرکتی و خوش‌بینی مدیریتی. دانش حسابداری، ۷(۲۷)، ۱۵۹-۱۸۱.
- خواجوی، شکرالله؛ ابراهیمی، مهرداد (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۶(۲)، ۷۱-۸۴.
- دل‌آشوب، سعید (۱۳۹۵). بررسی و راهکارهای جلوگیری از تقلب در سیستم‌های مالی. دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم. رشت، دانشگاه فنی و حرفه‌ای میرزا کوچک صومعه‌سرا.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ رضایی، فرزین؛ میرعبداللهی، فرانک سادات (۱۳۹۲). ارتباط میان ساختار مالکیت و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. راهبرد مدیریت مالی، ۱(۳)، ۶۵-۸۸.
- ستایش، محمدحسین؛ ابراهیمی میمند، مهدی (۱۳۹۳). رابطه بین نوع مالکیت نهادی و کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۴۸، ۵۳-۷۵.
- سجادی، سیدحسین؛ کاظمی، توحید (۱۳۹۵). الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبانه در ایران به روش نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶(۲۱)، ۱۸۵-۲۰۴.
- صراف، فاطمه؛ محمدی، مهسا (۱۳۹۶). بررسی حاکمیت شرکتی و پاسخ‌گویی با تأکید بر آیات قرآن. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۲۱، ۱-۲۰.
- صفرزاده، محمدحسین (۱۳۸۹). توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت. دانش حسابداری، ۱(۱)، ۱۳۷-۱۶۳.
- فخاری، حسین؛ رجب‌دری، حسین؛ خانی‌دلان، امیررضا (۱۳۹۷). مطالعه نقش ارتباط اجتماعی و حرفه‌ای اعضای کمیته حسابرسی با ارزیابی ریسک گزارشگری متقلبانه شرکت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۲)، ۲۳۳-۲۵۰.
- قادری، کاوه؛ قادری، صلاح‌الدین. (۱۳۹۶). تحلیل بیش‌اطمینانی مدیران از عملکرد خود در شرکت‌های متقلب. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۲)، ۲۴۳-۲۶۲.
- مشایخی، بیتا (۱۳۹۰). روان‌شناسی تقلب. حسابدار، (۲۳۶)، ۷۰-۷۳.
- مؤمنی، منصور؛ فعال قیومی، علی (۱۳۹۴). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS تهران: کتاب نو.
- نوفرستی، محمد (۱۳۸۰). آمار در اقتصاد و بازرگانی (جلد اول). تهران: انتشارات رسا.
- یاوری، سودابه؛ مرادی، آزاد؛ احمدی، فردین (۱۳۹۴). حسابرسی تقلب و روش کشف تقلب در سازمان‌ها. اولین همایش علمی پژوهشی یافته‌های نوین علوم مدیریت، کارآفرینی و آموزش ایران. تهران. انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

References

- Arthurs, J.D., Busenitz, L.W. (2003). The boundaries and limitations of agency theory and stewardship theory in the venture capitalist/entrepreneur relationship. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 28(2), 145–162.
- Barzegarikhaneghah, J., Jamali, Z., Arefmanesh, Z. (2018). *Investigating the Relationship between Selective Mechanisms of Corporate Governance and Audit Quality on the Fraud Investigation in the Financial Statements of the Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. Government, Ministry of Science, Research, Technology*. Yazd University, College of Humanities and Social Sciences. Faculty of Economics, Management and Accounting. (in Persian)
- Baxter, P. & Cotter, J. (2009). Audit Committee and Earnings Quality. *Accounting and Finance*, 49(2), 267-290.
- Bazrafshan, V., Bazrafshan, A., Salehi, M. (2019). Investigating the Influence of Managers' Narcissism on Financial Reporting Quality. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 25(4), 457-478. (in Persian)
- Beasley, M.S., Carcello, J.V., Hermanson, D.R., Lapides, P.D. (2000). Fraudulent financial reporting: consideration of industry traits and corporate governance mechanisms. *Accounting Horizons* 14(4), 441–454.
- Bushee, B.J. (2004). Identifying and attracting the “right” investors: evidence on the behavior of institutional investors. *Journal of Applied Corporate Finance*, 16(4), 28–35.
- Carcello, J.V., Nagy, A.L. (2004). Client size, auditor specialization and fraudulent financial reporting. *Managerial Auditing Journal*, 19(5), 651-668.
- Chen, G.M., Firth, M., Gao, D.N., Rui, O.M. (2006). Ownership structure, corporate governance, and fraud: evidence from China. *Journal of Corporate Finance*, 12(3), 424–448.
- Chrisman, J.J., Patel, P.C. (2012). Variations in R&D investments of family and nonfamily firms: behavioral agency and myopic loss aversion perspectives. *Academy of Management Journal*, 55(4), 976–997.
- Chung, R., Firth, M., & Kim, J. B. (2005). FCF agency costs, earnings management, and investor monitoring. *Corporate Ownership and Control*, 2, 51-61.
- Colman, A. M. (2003). *Oxford Dictionary of Psychology*. (4 ed.). Oxford, UK: Oxford University Press. Latest Edition.
- Connelly, B.L., Hoskisson, R.E., Tihanyi, L., Certo, S.T. (2010). Ownership as a form of corporate governance. *Journal of Management Studies*, 47(8), 1561–1589.
- Deci, E.L., Ryan, R.M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227–268.
- Del Ashoub, S. (2017). Investigating and Preventing Fraud in Financial Systems. *2nd International Conference on Accounting and Management in the Third Millennium*. SHT - Technical and vocational School of Mirza Kouchacj Someh Sara. (in Persian)
- Dharmastuti, C., Wahyudi, S. (2013). The Effectivity of Internal and External Corporate Governance Mechanisms Towards Corporate Performance. *Research Journal of Finance and Accounting*, 4(4), 132-139.

- Etemadi, H., Abdoli, L. (2018). Audit Quality and Financial statement fraud. *Empirical Research of Financial Accounting*, 4(4), 23-43.
- Fakhari, H., Rajabdoory, H., Khani Zalan, A. (2018). A Study of the Role of Social and Professional Ties of Audit Committee with the Assessment of Firm Fraudulent Reporting. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 25(2), 233-250. (in Persian)
- Fu, Y. (2018). The value of corporate governance: Evidence from the Chinese anti-corruption campaign. *North American Journal of Economics and Finance*, <https://doi.org/10.1016/j.najef.2018.06.001>. 1-16.
- Ghaderi, K., Ghaderi, S. (2017). The Analysis of the Executive Overconfidence in Fraudulent Companies. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 24(2), 243-262. (in Persian)
- Habib, A., & Bhuiyan, M. B. U. (2016). Problem directors on the audit committee and financial reporting quality. *Accounting and Business Research*, 46(2), 121-144.
- Hejazi, R., Mokhtarinejad, H. (2017). Relationship between the Corporate Governance and the likelihood of Fraudulent Financial Reporting. *Value and Behavioral Accounting*, 2(3), 60-33. (in Persian)
- Jafari, F., Rahimi Alang, M., Safari Graylie, M. (2016). Corporate Governance in the Banking System. 2nd National Conference on Accounting, Management and Economy of Iran. Bandar Gaz, Islamic Azad University, Bandar Gaz Branch. (in Persian)
- Jensen, M. (2000). *A Theory of the Firm. Governance, Residual Claims and organizational Forms*. Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts, London.
- Jensen, M., Meckling, W. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- John, K., Senbet, L. (1998). Corporate Governance and Board Effectiveness. *Journal of Banking and Finance*, 22, 371-403.
- Joudi, S., Mansourfar, GH., Didar, H. (2019). Internal and External Corporate Governance Quality, Information Asymmetry and Cash Holdings: Increase or Decrease in the Firm Value? *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(1), 39-64. (in Persian)
- Khajavi, Sh., Ebrahimi, M. (2018). Investigating the impact of Corporate Governance Mechanisms on Financial Statements Fraud of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Assets Management and Financing*, 6 (2), 71-84. (in Persian)
- Khorrami, D., Gholami-Jamkarani, R. (2017). Corporate Governance Mechanisms and Managerial Optimism, *Accounting Knowledge*, 7 (27), 159-181. (in Persian)
- Liao, J., David Smith, Liu, X. (2019). Female CFOs and accounting fraud: Evidence from China. *Pacific Basin Finance Journal*, 53(C), 449-463.
- Maffett, M. (2012). Financial reporting opacity and informed trading by international institutional investors. *Journal of Accounting and Economics*, 54(2-3), 201-220.
- Martin, G.P., Gomez-Mejia, L.R., Wiseman, R.M. (2013). Executive stock options as mixed gambles: revisiting the behavioral agency model. *Academy of Management Journal*, 56(2), 451-472.
- Mashayekhi, B. (2012). Psychology Fraud. *Accountant*, (236), 73-70. (in Persian)

- Moemeni, M., Faalghayeomi, A. (2014). *Statistical analysis using SPSS*, Ketabe no. (in Persian)
- Noferesti, M. (2001). *Statistics in Economics and Business, Vol. 1*. Tehran: Rasaya Publication. (in Persian)
- Ong, P. W. (2000). Taiwan: International Cooperation in Fighting Financial Fraud. *Journal of Financial Crime*, 8(1), 93-95.
- Parsayian, A. (2009). *Predictive Theory of Accounting*, written by Gerald L. Zemeran, Ross L. Watz, Termeh Publication. (in Persian)
- Porter, M.E. (1992). Capital Choices: Changing the Way America Invests in Industry. *Harvard Business School Press: Boston, MA*, 5(2), 4-16.
- Pour Heidari, O, Aflatouni, A., Nikbakht, Z. (2011). Reviewing the Cash Ability from Operating Activities to Predict Future Cash Flows. *Empirical studies on financial accounting*, 26, 26-29. (in Persian)
- Rahimian, N., Rezaei, F., Mirabdollahi, F. (2014). Relationship between Ownership structure and Financial Performance Listed in Tehran Securities Echange. *Financial Management Strategy*, 1(3), 65-88.
- Ramamoorti, S. (2008). The Psychology and Sociology of Fraud: Integrating the Behavioral Sciences Component Into Fraud and Forensic Accounting Curricula. *Issues in accounting education*, 23(4), 521-533.
- Ryan, R.M., Deci, E.L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55(1): 68–78.
- Safarzadeh, M. (2011). Financial Ratios in Fraud Detection in Financial Reporting: Logit Analysis. *Accounting Knowledge*, 1 (1), 163-137. (in Persian)
- Sajjadi, H., Kazemi, T. (2016). A Comprehensive Pattern of Fraudulent Financial Reporting in Iran, Grounded Theory. *Empirical Research In Accounting*, 6(1), 185-204. (in Persian)
- Sarraf, F., Mohammadi, M. (2017). Investigating Corporate Governance And Accountability Based On Quranic Verses. *Accounting and Auditing Studies*, 21, 1-20. (in Persian)
- Schweitzer, M.E., Ordóñez, L., Douma, B. (2004). Goal setting as a motivator of unethical behavior. *Academy of Management Journal*, 47(3), 422–432.
- Setayesh, M., Ebrahimi Meimand, M. (2015). Relationship between Institutional Ownership and Disclosure Quality in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies on Financial Accounting*, 48, 75-53. (in Persian)
- Sharma, V.D. (2004). Board of director characteristics, institutional ownership, and fraud: evidence from Australia. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 23(2), 105–117.
- Shi, W., Connelly, B.L., Sanders, W.G. (2016). Buying bad behavior: tournament incentives and securities class action lawsuits. *Strategic Management Journal*, 37(7), 1354–1378.
- Shi, W., Brian, L., Connelly, and Robert, E. H. (2017). External corporate governance and financial fraud: cognitive evaluation theory insights on agency theory prescriptions. *Strategic Management Journal*, 38, 1268–1286.
- Shleifer, A, Vishny, R.W. (1997). A survey of corporate governance. *Journal of Finance*, 52(2), 737–783.

- Smith, G. S. (2012). Can an auditor ever be a first responder to financial frauds? *Journal of Financial Crime*, 19(3), 291-304
- Srivastava, V., Niladri, D., Jamini, K. P. (2018). Corporate governance: mapping the change. *International Journal of Law and Management*, 60(1), 19-33.
- Sundaramurthy, C., Lewis, M. (2003). Control and collaboration: paradoxes of governance. *Academy of Management Review*, 28(3), 397-415.
- Triantis, G., Daniels, R. (1995). The Role of Debt in Interactive Corporate Governance. *University of California Review*, 83(4), 1073-1113.
- Walsh, J.P., Seward, J.K. (1990). On the efficiency of internal and external corporate mechanisms. *Academy of management review*, 15(3), 421-458.
- Weiss, E.J., Beckerman JS. (1995). Let the money do the monitoring: how institutional investors can reduce agency costs in securities class actions. *Yale Law Journal*, 104(8), 2053-2127.
- Wiseman, R.M., Gomez-Mejia, L.R. (1998). A behavioral agency model of managerial risk taking. *Academy of Management Review*, 23(1), 133-153.
- Yan, X., Zhang, Zh. (2009). Institutional investors and equity returns: Are short-term institutions better informed. *Review of Financial Studies*, 22, (2), 893-924.
- Yavari, S., Moradi, A., Ahmadi, F. (2016). Fraud Audit and Fraud Detection in Organizations. *1st Scientific Conference on New Findings of Management Sciences, Entrepreneurship and Education in Iran*. Tehran. Association for the Promotion of Basic Sciences and Technology. (in Persian)